

Gramlich, Richard, 1995, *Alte Vorbilder des sufismus*,
Erster Teil: Scheiche des Westens, Wiesbaden, 1996;
1996, Zweiter Teil: Scheiche des Ostens,
Wiesbaden.

«نخستین پیشگامان تصوف»، ریشارت گراملیش

«نخستین پیشگامان تصوف»، نوشته ریشارت گراملیش، کتابی است در حوزه تاریخ تصوف و سرچشمه‌های فکری آن به نیمه قرن چهارم هجری برمی‌گردد. مؤلف کتاب را در دو جلد تدوین کرده است. جلد اول به مشایخ غرب، یعنی بصره و بغداد، اختصاص دارد و جلد دوم مختص مشایخ شرق، یعنی کسانی است که در نواحی شرق ایران و عمدتاً در خراسان ظهور کرده‌اند. نخستین کسی که در این کتاب از او سخن رفته محمد بن واسع متوفای ۱۲۳ یا ۱۲۷ هجری و آخرین نفر ابوالعباس سیاری متوفای ۳۴۲ هجری است.

مؤلف کتاب را به شیوه تک‌نگاری تنظیم کرده است، یعنی ترجمه احوال و شرح اقوال و آثار هریک از مشایخ را در بخشی مجزا و ذیل نام آنان آورده است. البته، خود گراملیش اذعان دارد که آنچه لازمه تک‌نگاری کامل است، مثل پرداختن به احوال و آرای سیاسی و فرهنگی صاحب ترجمه، در همه موارد رعایت نشده، زیرا مواد قابل اطمینان زیادی در دسترس مؤلف نبوده است. حجم مطالب نیز طبعاً تابع منابع موجود بوده و از این رو برخی بخشهای کتاب بسیار مختصر و برخی دیگر بسیار مفصل است، مثلاً شرح احوال و اقوال فرقد سبخی (متوفای ۱۳۱ هجری) فقط در هشت صفحه آمده است، حال آنکه بزرگانی چون ابوبکر شبلی و ابراهیم ادهم و ابوبکر واسطی به ترتیب ۱۵۳، ۱۴۸ و ۱۴۶ صفحه را به خود اختصاص داده‌اند.

گراملیش در یادداشت کوتاهی که بر این تألیف مهم نوشته است کار خود را، در مقام پژوهشگر تاریخ تصوف، با کار باستان‌شناس مقایسه می‌کند. به گفته او، باستان‌شناس پس از کاوش کافی و بیرون آوردن خرابه‌های یک بنا از زیر خاک، می‌تواند طرح و سامان اصلی بنا را مشخص کند. لیکن در کار تاریخ تصوف، مورخ‌گاه با اقوال و آرای چنان پراکنده و تعصب‌آمیز

مواجه است که هیچ منظومه فکری معینی را نمی‌تواند از آن میان استخراج کند. در نهایت، آنچه برای او باقی می‌ماند آن قدر دندان‌گیر نیست که قابل تشریح یا انتقال به دیگران باشد.

بسیاری از سخنان صوفیه، بی‌آنکه نوشته شود، طی سالیان دراز دهان به دهان نقل و در طول زمان تغییر یافته و تحریف شده است. سپس، همین اقوال نادرست و تحریف شده، بر اثر تکرار و تواتر، میراث فکری عارفی خاص قلمداد شده است. علاوه بر آن، فرقه‌های متعدد همین اقوال غیر قابل اطمینان را هم باز مطابق سلیقه و ذائقه خود تغییر داده و تحریف کرده‌اند.

با این حال، گراملیش، به گفته خود، کوشیده است که از افسانه‌سازی بپرهیزد و تفسیرها و برداشتهای خود را وارد کار نکند بلکه بیشتر به همان منابع اصیل متکی باشد و مطالب مهم آنها را به شیوه‌ای منظم در اختیار خواننده بگذارد. لیکن به این نکته هم اذعان دارد که وی این مطالب را به بهترین شیوه ممکن تنظیم نکرده است و شاید بتوان انبوه مطالبی را که در کتاب او آمده است به نحو بهتری مرتب و بیان کرد.

همه کسانی که در کتاب گراملیش معرفی شده‌اند، از نظر او، لزوماً صوفی نبوده‌اند. برخی از آنها فقط دارای گرایشها و آرمانهای صوفیانه بوده‌اند؛ از این رو، در جریان کلی تصوف سهمی داشته‌اند که ناچار باید در نظر گرفته می‌شد.

نخستین پیشگامان تصوف، در مجموع، شرح احوال و اندیشه‌های ۲۲ تن از بزرگان قوم را دربر می‌گیرد. در جلد اول، که شامل احوال مشایخ بصره و بغداد است، به ترتیب از این کسان یاد می‌شود: ۱. محمد بن واسع (م ۱۲۳ یا ۱۲۷ هـ) در ۱۶ صفحه؛ ۲. ثابت بن اسلم البنائی (م ۱۲۷ هـ) در ۱۴ صفحه؛ ۳. فرقد السبخی (م ۱۳۱ هـ) در ۸ صفحه؛ ۴. مالک بن دینار (م ۱۳۱ هـ) در ۶۴ صفحه؛ ۵. عطاء السلیمی (م ۱۴۰ هـ) در ۱۲ صفحه؛ ۶. ابراهیم بن ادهم (م ۱۶۱ هـ) در ۱۴۸ صفحه؛ ۷. داود الطائی (م ۱۶۵ هـ) در ۴۲ صفحه؛ ۸. ابوتراب النخشی (م ۲۴۵ هـ) در ۲۰ صفحه؛ ۹. عمرو بن العثمان المکی (م ۲۹۱ یا ۲۹۷ هـ) در ۳۶ صفحه؛ ۱۰. ابوالحسین انوری (م ۲۹۵ هـ) در ۶۶ صفحه؛ ۱۱. رویم بن احمد (م ۳۰۳ هـ) در ۳۶ صفحه؛ ۱۲. ابو محمد الجریری (م ۳۱۲ هـ) در ۳۰ صفحه؛ ۱۳. ابوبکر الشبلی (م ۳۳۴ هـ) در ۱۵۳ صفحه.

چنان که پیداست برخی از صوفیه مذکور اصلاً اهل خراسان یا دیگر نواحی شرقی ایران بوده‌اند، لیکن چون به عراق هجرت کرده و بخش اعظم عمر خود را در آن بلاد گذرانده و همانجا

وفات یافته‌اند، گراملیش شرح احوال آنها را ذیل مشایخ غرب آورده است.

در جلد دوم، که مختص شیوخ شرق است، ذکر احوال و آثار نه تن از مشایخ را به این ترتیب می‌بینیم: ۱. شقیق البلخی (م ۱۹۴هـ) در ۵۰ صفحه؛ ۲. حاتم الاصبم (م ۲۳۷هـ) در ۳۲ صفحه؛ ۳. احمد بن خضرویه (م ۲۴۰هـ) در ۱۸ صفحه؛ ۴. ابو حفص الحداد (م ۲۶۵هـ) در ۴۲ صفحه؛ ۵. حمدون القصار (م ۲۷۱هـ)، به اضافه شاگردش عبدالله بن مُنازل، در ۲۰ صفحه؛ ۶. ابو عثمان الحیری (م ۲۹۸هـ)، به اضافه شاگردش ابوالحسین الوراق، در ۷۴ صفحه؛ ۷. محمد بن الفضل البلخی (م ۳۱۹هـ) در ۱۸ صفحه؛ ۸. ابوبکر الواسطی (م ۳۲۰هـ) در ۱۴۶ صفحه؛ ۹. ابوالعباس السیاری (م ۳۴۲هـ) در ۳۸ صفحه.

برای آنکه شیوه کار گراملیش به نحو روشن تری ترسیم شود، ترجمه عناوین اصلی و فرعی پژوهش او را ذیل مدخل ابراهیم بن ادهم در اینجا می‌آوریم. ابراهیم بن ادهم: یک. اصل و نسب و موقعیت اجتماعی: ۱. نسب ابراهیم، ۲. مقام و موقعیت اجتماعی ابراهیم؛ دو. تبدل مذهبی و مهاجرت: ۱. داستانهای مربوط به تبدل مذهبی ابراهیم: نگریستن در آینه، گدا در کاخ، شتر بر بام، خضر در تالار، صداهای هشدار دهنده، اخطار در حین شکار، زیارت معجزه آسا، ۲. ریاضت در نیشابور، ۳. ابراهیم و اهل خانه: امور مالی - پسر ابراهیم با پدرش روبه‌رو می‌شود، ۴. هجرت ابراهیم؛ سه. زندگی و حوادث: ۱. امرار معاش: کار و استغنا - گدایی - هدیه گرفتن و هدیه دادن، ۲. وظیفه‌شناسی: وظیفه‌شناسی، مراقبت دائم، رزق حلال، گناه و طاعت، ۳. حوادث سفر: داوود و البلخی و خضر، جنی، تعلیم در راه، ناصحان خاموش، ۴. در صف کارزار: جنگجوی زاهد، دلاور، وظیفه‌شناس، ۵. توفیق تواضع: ابراهیم در راه رسیدن به آرزوهایش، فضیلت تواضع؛ چهار. انسان و نعمات دنیا: ۱. انسان و دنیای او: نکوهش دنیا، ابراهیم و دنیا، یک موعظه هشدار دهنده، پرهیز از دنیا، اولیا، توکل به خدا، ۲. زندگی فقرا: فقر، خوراک و پوشاک فقرا، گرسنگی و سیری، بیداری، فقرای مجرّد و متأهل، زندگی شاهانه فقرا، اغنیای فقیر؛ پنج. انسان در برابر خدا: ۱. عاقبت‌اندیشی، ۲. مشغول بودن به خدا، ۳. بنده خدا بودن، ۴. خوف، رضا، حُب ۵. ابراهیم و خدای او؛ شش. انسان و انسانها: ۱. فرار از انسانها: مردم‌گریزی، کناره‌جویی ابراهیم از مردم، حد و مرز فرار از انسانها، ۲. ابراهیم و یارانش: همنشینی و مؤانست، نوع دوستی ابراهیم، ۳. سخاوت، احسان، مدارا؛ هفت. علم و عمل: ۱. ابراهیم و علم دین: اشتغال ابراهیم به علم دین،

اجتناب ابراهیم از علم دین، ۲. علم و عمل: عمل پس از علم، باز هم عمل، ۳. سخن گفتن و سکوت کردن؛ هشت. دعا و نیایش: ۱. دعایی در روز جمعه. ۲. دعا‌های مستجاب؛ نه. اندرزاها و هشدارها: ۱. سرزنشها، ۲. دستورها، ۳. سعادت بهشت. ده. کرامت: ۱. کرامات ابراهیم، ۲. قصه‌های دریایی؛ یازده. مرگ و مزار ابراهیم.

شمار منابع کتاب به فارسی و عربی و آلمانی و انگلیسی حدود چهارصد عنوان است. نویسنده، پیش از هر چیز، از کتابهای مشهوری چون حلیة الاولیاء ابونعیم اصفهانی، طبقات الصوفیة سلمی و نیز انصاری، حقائق التفسیر سلمی، رسالۃ قشیریه، تذکرۃ الاولیاء عطار و اللمع سراج بهره برده است.

کتاب نفیس گراملیش بی تردید مورد نیاز تمامی پژوهشگران حوزه تصوف است و خوب است دانشمندانی که هم زبان آلمانی می‌دانند و هم به تاریخ تصوف علاقه دارند به ترجمه این کتاب گران سنگ همت گمارند.

ضمن مطالعه کتاب متوجه شدم که ریشارت گراملیش کتاب پرحجم دیگری هم نوشته است که به ویژه برای ما ایرانیان اهمیت دارد. عنوان کلی کتاب این است: فرقه‌های دراویش شیعة ایران. جلد نخست آن با عنوان «وابستگیها» در ۱۹۶۵، جلد دوم به نام «عقاید و آموزه‌ها» در ۱۹۷۶، و جلد سوم با عنوان «سنن و آیینها» در ۱۹۸۱ منتشر شده است. امیدوارم این کتاب نیز به سعی و همت دانشمندان ایرانی هرچه زودتر تهیه و به فارسی ترجمه شود و در اختیار پژوهندگان و علاقه‌مندان قرار گیرد.

محمد دهقانی